

دوفصلنامه جامعه‌شناسی و مدیریت سبک زندگی، سال پنجم، شماره چهاردهم، پاییز و زمستان، صفحات ۴۰۱-۴۳۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۱/۰۳

تحلیل رابطه سبک زندگی با کاهش باروری (مورد مطالعه: زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله شهر اهواز)

حسین ملتفت^۱

عبدالرضا نواح^۲

سارا رشیدی^۳

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه سبک زندگی و کاهش باروری خانواده‌های شهر اهواز انجام شده است. حجم نمونه طبق فرمول کوکران ۳۸۴ نفر است که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده و متناسب با حجم جامعه آماری انتخاب شده است. نوع روش مورد استفاده در این پژوهش پیمایشی است. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. روایی آن توسط اساتید مجرب در حوزه مربوطه بوده و پایانی آن نیز بر مبنای آزمون آلفای کرونباخ بود که میزان آن بالای ۰/۷۰ به دست آمده است و نشان از پایایی مناسب پرسشنامه دارد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یک‌طرفه، آزمون تی و تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بین متغیرهای سبک زندگی مدرن (شدت رابطه ۰/۷) و سبک زندگی سنتی (شدت رابطه ۰/۸) با باروری زنان رابطه معناداری وجود دارد؛ همچنین بین متغیر چگونگی گذران اوقات

Moltafet_h@scu.ac.ir

dr.navah1338@gmail.com

sara.rashidi73@gmail.com

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران

۳. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران

فراغت، سبک‌های مختلف زندگی (مدرن، سنتی، نه سنتی و نه مدرن) و وضعیت اشتغال پاسخگویان با باروری زنان تفاوت معناداری وجود دارد. اطلاعات حاصل از رگرسیون نشان می‌دهد که این متغیرها ۰/۱۰۲ درصد از واریانس مربوط به باروری زنان را تبیین کرده‌اند و همچنین بیشترین میزان اثر متغیرها بر باروری، مربوط به متغیر سبک زندگی مدرن (۱/۱۰۸) است که اثر مستقیم بر متغیر مستقل دارد و کمترین میزان اثر مربوط به بعد ورزشی اوقات فراغت (۰/۰۷۹-) است که تأثیر مستقیمی بر باروری دارد؛ بنابراین با توجه به نتایج به‌دست آمده می‌توان گفت که سبک زندگی بر میزان باروری زنان تأثیرگذار بوده است.

کلیدواژه: اوقات فراغت، سبک‌های زندگی، فرزندآوری، وضعیت اشتغال، باروری.

مقدمه و بیان مسئله

منابع انسانی هر کشوری جزو سرمایه‌های اصلی آن محسوب می‌شوند؛ سرمایه‌ای که وجود و برنامه‌ریزی برای تنظیم آن جزو اهداف اصلی هر دولتی است؛ اما همین سرمایه ارزشمند نیز در صورت کم یا زیاد شدن بیش از حد، نتایج منفی به بار می‌آورد که تبعات آن گریبان‌گیر همه افراد جامعه خواهد شد. باروری به‌عنوان یکی از سه رکن اصلی تغییرات جمعیت، امروزه به یکی از مسائل جمعیت‌شناختی در ایران تبدیل شده است و به‌عنوان مهم‌ترین جزء تغییر ساختار سنی جمعیت تلقی می‌شود. زاد و ولد از دو پدیده طبیعی جمعیت و عامل منحصربه‌فرد افزایش آن در مقیاس جهانی است. ایران نیز به‌عنوان هفدهمین کشور پرجمعیت دنیا، طی دهه‌های اخیر تحولات جمعیت شناختی چشم‌گیری را تجربه کرده است. هم‌اکنون ایران جزو کشورهایی است که باروری سطح پایین و در حد جانشینی را دارد (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۱).

امروزه، تغییرات کاهنده در سطح باروری در کنار ثبات نسبی مرگ‌ومیر در سطوح پایین سبب شده است تا آهنگ رشد جمعیت به‌کندی گراید و با توجه به تفاوت‌های میان باروری و مرگ‌ومیر از منظر سیاست‌گذاری‌های دولت، پدیده باروری، نقش و اهمیت بیشتری در تغییرات جمعیت در آینده خواهد داشت. به همین دلیل باروری همواره مورد توجه اکثر جمعیت‌شناسان قرار گرفته است و همیشه سعی در شناسایی عوامل مؤثر بر آن بوده است. تحولات باروری، بدون تردید، تحت تأثیر عوامل متعددی صورت می‌گیرد که در ارتباط باهم هستند (غزلاوی، ۱۳۹۰: ۳). از سوی دیگر در تبیین این پدیده، بسیاری از نظریاتی که در گذشته به‌خوبی قادر به تبیین کاهش باروری بودند کارایی خود را از دست داده‌اند. به همین دلیل برای دستیابی به این مهم باید به سراغ مفاهیم جدیدتری رفت.

جمعیت جهان طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰، کاهش بی‌سابقه و چشمگیری در سطوح باروری تجربه کرد که بیشتر ناشی از کاهش باروری در کشورهای در حال توسعه بود. به موازات تحولات جمعیت‌شناختی در دنیا، ایران نیز تغییرات جمعیت‌شناختی گسترده‌ای را تجربه کرده و طی سه دهه گذشته، باروری به طرز چشمگیری کاهش پیدا کرده است (عباسی شوازی و حسینی، ۱۳۸۶: ۶)؛ و این کاهش باروری در ایران سریع‌ترین و بزرگ‌ترین کاهش باروری در جهان بوده است (عباسی شوازی و دیگران، ۲۰۰۹: ۱). به‌طوری که علی‌رغم این که میزان باروری کل ایران در سال ۱۳۶۵ برابر ۶/۳۹ بود، پس از کاهش سریع باروری از اواخر دهه ۱۳۶۰ و طول دهه ۱۳۷۰، در سال ۱۳۷۹ ایران به باروری زیر سطح جایگزینی رسید (عباسی شوازی و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۱). بر مبنای داده‌های سرشماری طی سال‌های ۸۵-۱۳۶۵ روند کاهش

باروری در استان‌ها نیز همانند روند کاهش باروری کل کشور بوده و کاهش باروری در نقاط شهری زودتر از نقاط روستایی آغاز شده و باروری کل در سال ۱۳۶۵ در نقاط شهری از ۵/۴۸ و در نقاط روستایی از ۷/۹ به ترتیب به ۱/۶۶ و ۱/۹۷ در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است (کاوه فیروز، ۱۳۸۳: ۳۷۲).

در جوامع معاصر برخلاف جوامع پیشین، به واسطه اهمیت یافتن خود و مسئولیت شخصی و ظهور جامعه مصرفی در زندگی، قدرت انتخاب نیز بیشتر شده است و به همین دلیل سبک‌های متفاوت زندگی ظهور کرده‌اند. در دهه‌های گذشته، سبک زندگی ایرانیان نیز همچون مردمان بسیاری از جوامع در حال توسعه و توسعه یافته تغییرات محسوسی داشته و سبک‌های جدیدی از زندگی خانوادگی با برجسته شدن علایق و انتظاراتی متفاوت از گذشته بروز و ظهور یافته است. پیرو این تغییرات، آداب ویژه‌ای هم که در فرهنگ سنتی دارای ارزش و جایگاه معتابه‌ای است، مانند صلح‌رحم، جمع‌گرایی، داشتن فرزند زیاد، خویشاوند گسترده و غیره به موازات نفوذ ارزش‌ها و سبک‌های زندگی جدید، مورد بازاندیشی قرار می‌گیرند و ارزش‌ها و سبک‌های دیگری جایگزین آن‌ها می‌شوند. تحت تأثیر این گفتمان‌های جهانی، افراد بیشتر به دنبال آزادی و استقلال و پیشرفت خود در عرصه‌های گوناگون هستند و داشتن فرزند زیاد را مانعی بر سر راه تحقق پیشرفت فردی تلقی می‌کنند (عنایت و پرنیان، ۱۳۹۲: ۱۳۰). در چنین شرایطی، هرگونه کنش اجتماعی (برای مثال، گرایش به فرزندآوری) بر مبنای احتساب سود و زیان مترتب بر آن برای فرد انجام می‌گیرد و اگر افراد احساس کنند که با تولد فرزند، منافع فردی و مصلحت شخصی آنان به خطر می‌افتد، از اقدام به آن صرف نظر خواهند کرد.

درواقع، انتخاب نوع خاصی از سبک زندگی منجر به شکل دادن به حوزه‌های فردی و عمومی هر شخص می‌شود. درواقع سبک زندگی عرصه‌های مختلفی از زندگی فرد را در برمی‌گیرد. سبک‌های متفاوت زندگی، رفتارهای افراد را تغییر داده و افراد بر اثر آن بر خود و محیط پیرامونی خود نظارت می‌کنند و حتی سعی دارند آن را تغییر دهند (خواجه نوری، ۱۳۹۰: ۸۰). یکی از این رفتارها می‌تواند باروری باشد.

کاهش بی‌سابقه باروری ایران در دو دهه اخیر بیش از هر چیز ریشه در «پیشرفت فرهنگی و اجتماعی» دارد؛ به عبارت دیگر، پیدایش یک محیط فرهنگی جدید که موافق و همساز با بعد محدود خانواده بود، فرصت مغتنمی را فراهم آورد تا در سایه آن خدمات حکومتی کنترل جمعیت با استقبال عامه مردم مواجه شود (فولادی، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

شهر اهواز در اواخر دهه ۱۳۷۰ به باروری زیر سطح جایگزینی^۱ دست یافت و امروزه با باروری بسیار پایین تری از حد جایگزینی مواجه است. این مسئله چند سالی است که اذهان جمعیت شناسان و نیز سیاست‌گذاران را به خود مشغول کرده است و باعث توجه و علاقه بیشتر آن‌ها به مباحث جمعیتی و روندهای باروری شده است. نگرانی‌ها از پیامدهای آن و به‌ویژه اثراتش بر پویایی‌های کلی جمعیت، به‌خصوص بر سالخوردگی، به‌خوبی حاکی از این موضوع است. شهر اهواز در چند دهه اخیر بسیاری از سبک‌های زندگی، ارزش‌ها و هنجارهای غالب رفتاری در کشورهای پیشرفته غربی را اتخاذ کرده است. حال با توجه به اهمیت تحولات جمعیتی در سال‌های اخیر و تأثیرپذیری باروری از عوامل گوناگون، پژوهش حاضر در نظر دارد به بررسی تأثیر سبک زندگی بر کاهش باروری بپردازد.

۱. ۲/۱ فرزند برای هر خانواده سطح جایگزینی نامیده می‌شود.

مبانی نظری مرتبط با باروری

نظریه گذار جمعیت‌شناسی

بر اساس این نظریه در مقاطع زمانی خاصی در تاریخ یک کشور یا منطقه، شرایط ساختاری مانند شهرنشینی، صنعتی شدن، توسعه اقتصادی - اجتماعی و مشخصه‌های اقتصادی اجتماعی و جمعیتی مثل سطح درآمد سرانه، مشارکت زنان در نیروی کار، سطح تحصیلات زنان و... فواید داشتن خانواده بزرگ و پر حجم را کاهش می‌دهد (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۲۱).

سیر تحول از مرحله اول گذار جمعیتی تا مرحله چهارم را مراحل انتقالی جمعیت می‌نامند؛ یعنی رشد جمعیت از یک رقم ناچیز پس از طی نمودن دوره یا دوره‌هایی به همان رقم ناچیز رسیده است. در مرحله اول گذار جمعیتی میزان‌های موالید و مرگ‌ومیر هر دو در سطح حداکثر طبیعی بوده، ولی در مرحله چهارم هر دو در سطح حداقل ممکن می‌باشند. در مرحله اول و چهارم رشد طبیعی جمعیت به یک اندازه و ناچیز هستند و زمان دو برابر شدن جمعیت نیز بسیار طولانی و در یک سطح است. با این تفاوت که در مرحله اول به دلیل مرگ‌ومیر بالای جمعیت، امید زندگی یا عمر متوسط کوتاه بوده و جمعیت جوان است. ولی در مرحله چهارم با کاهش مرگ‌ومیر و رسیدن آن به حداقل ممکن، امید به زندگی به عمر متوسط حداکثر (۸۰ سال) قرار دارد و جمعیت سالخورده است (کاظمی پور، ۱۳۸۹: ۲۱).

نظریه‌های ساختاری یا انتخاب عقلانی، با نظریه‌های جمعیت‌شناختی پدید آمدند (شنه، ۱۹۹۰: ۳۲۷). گذار جمعیت‌شناختی را فرآیند نوسازی رفتار تولیدمثل در

جمعیت‌های انسانی می‌داند که طی دو مرحله کاهش مرگ‌ومیر و سپس کنترل باروری صورت می‌گیرد. بر اساس این نظریه، جوامع نوسازی را از یک رژیم پیشامدرن مرگ‌ومیر و باروری به یک رژیم پسامدرنی که در آن هر دو پایین هستند تجربه می‌کنند.

جامع‌ترین موضوع نظریه گذار این است که نوسازی اقتصادی فرزندآوری جوامع را طوری تغییر می‌دهد که تعداد زیاد کودکان دیگر برای والدین مزیتی نخواهد داشت؛ بنابراین کاهش باروری نوعی تطابق عقلانی با تغییرات در شرایط اقتصادی عینی است. در این تئوری که در طول چند دهه پارادایم غالب در جمعیت‌شناسی بود، کاهش باروری هنگامی رخ می‌دهد که فرآیند از نوسازی در اثر صنعتی شدن، شهرنشینی، تحصیلات، آزادی زنان و توسعه اقتصادی اجتماعی آغاز می‌شود. صنعتی شدن و شهرنشینی یک سبک و شیوه زندگی ایجاد می‌کند که داشتن تعداد زیاد فرزند را نامطلوب می‌سازد (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

چارچوب تبیین نهادی

طرفداران این دیدگاه استدلال می‌کنند که تغییرات در ساختارهای اقتصادی یا تغییرات در آگاهی و ایده‌ها اساساً از طریق تغییرات در نهادهای سیاسی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی صورت می‌گیرد (عباسی شوازی و همکاران، ۲۰۰۹: ۸). مک نیل (۱۹۸۰) باروری را از دو دیدگاه تبیین می‌کند: ۱- دیدگاهی که به تأثیر سیاست‌های جمعیتی و نهادهای مختلف بر باروری می‌پردازد که به دیدگاه بالا به پایین معروف است. ۲- دیدگاهی که به بررسی رفتارهای باروری در سطح خانواده‌ها می‌پردازد و به دیدگاه پایین به بالا معروف است. در بررسی رفتار باروری باید به جزئیات کشور و

منطقه نیز توجه شود، زیرا ساختار اجتماعی فرهنگی در متن خاص هر جامعه معنی می‌یابد. مک نیل کاهش باروری را بیشتر متأثر از شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه می‌داند و بر این باور است که باروری به‌طور محدود در معرض عملکرد سیاسی مستقیم است. بر این اساس، تنها سیاست‌های مستقیم دولت را باعث گذار باروری در جامعه نمی‌داند، بلکه معتقد است که عوامل دیگری نیز در کاهش باروری تأثیر می‌گذارد که از جمله آن‌ها به نوسازی و رشد اقتصادی اشاره می‌کند. تغییر شکل اقتصادی خانواده بهبود و پیشرفت وضعیت و موقعیت زنان در خانواده و اقتصاد و تغییرات عمده فرهنگی در کاهش باروری تأثیرگذارند (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۳۱).

نظریه نوسازی

یکی از رایج‌ترین و پرکاربردترین تبیین‌های ساختاری تئوری مدرنیزاسیون یا همگرایی خانواده است. رویکرد نوسازی با الهام از نسخه غربی توسعه و ترقی بر مشخصه‌ها و عناصری نظیر صنعتی شدن، شهرنشینی، آموزش مدرن، بهداشت مدرن، تکنولوژی، رسانه‌های ارتباطی، حمل و نقل و ارتباطات تأکید دارد و اینکه با ورود آن‌ها به هر جامعه سنتی، تغییرات و دگرگونی‌های ساختاری ایجاد می‌شود. نظریه نوسازی تغییرات خانواده را انطباق سازمان‌یافته با تغییر در شرایط نظام اجتماعی پیرامونی در نظر می‌گیرد. بر پایه این دیدگاه، نهاد خانواده تحت تأثیر عناصر نوسازی هم به لحاظ ساختی و هم به‌لحاظ کارکردی دچار تغییر و دگرگونی می‌شود (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۴).

ویلیام گود^۱ (۱۹۶۳) با مطرح نمودن ایده انقلاب جهانی در الگوهای خانواده، تأثیرات فرآیند نوسازی بر خانواده اشاره می‌کند. وی بر اساس این تئوری، دگرگونی‌های به وجود آمده در خانواده را نتیجه اجتناب‌ناپذیر دگرگونی‌های ساختاری و دگرگونی‌های ایدئولوژیکی می‌داند. به عقیده وی زمانی که دگرگونی‌های ساختاری در سطح کلان (دگرگونی‌هایی مانند صنعتی شدن، شهرنشینی و...) و دگرگونی‌های ایدئولوژیکی نیز در سطح کلان رخ می‌دهد، سازمان‌های سطوح فرد نیز اجباراً نیز باید خود را با این دگرگونی‌های سطح کلان انطباق دهند (اعزازی، ۱۳۹۱: ۱۷).

در بین مهم‌ترین شاخص‌های مدرنیزاسیون می‌توان به گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییرات وسیع در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره کرد. افرادی که در مناطق شهری زندگی می‌کنند، به دلیل شیوه‌ها و سبک‌های زندگی متفاوت و نیز کنترل اجتماعی ضعیف‌تر نسبت به مناطق روستایی ازدواجشان با تأخیر صورت می‌گیرد. به باور گود (۱۹۶۳) فرآیند نوسازی در سطوح مختلف فردی و اجتماعی نهاد خانواده و ابعاد فردی و اجتماعی آن را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. نظام‌های خانواده گسترده و سایر گروه‌های خویشاوندی از هم می‌پاشند و حرکتی جهانی در جهت برتری خانواده هسته‌ای ایجاد می‌کنند (محمودیان، ۱۳۸۳).

نظریات مرتبط با سبک زندگی

در دیدگاه ویلن مشاغل متفاوت، الگوهای زندگی و سبک اندیشیدن و انتظار طبقاتی متفاوتی دارند، ولی در ساختار طبقاتی آن‌هایی که مشاغل کلیدی جامعه را اشغال کرده‌اند، بیش‌ترین تفاوت را با بقیه تیپ‌های جامعه دارند و طوری رفتار

۱. William Good

می‌کنند که شکاف بیش‌تری با دیگر طبقات دارند و این‌گونه وانمود می‌کنند که سبک فکشان و عمل و کردارشان از سایر افراد جامعه برتر است افرادی که مشاغل مهم را در اختیار خود دارند درآمد بیش‌تری را کسب می‌کنند و شیوه زندگی را انتخاب می‌کنند که برای آن‌ها نشانه افتخار و حیثیت است. برای مثال پوشش، آرایش و کلماتی که افراد طبقات گوناگون نشان می‌دهند معرف جایگاه طبقاتی آنهاست و در عرصه رقابت برای خودنمایی افراد سعی می‌کنند لباس، آرایش و واژه‌هایی را برای گفتگوها استفاده کنند که در جامعه مورد احترام است.

وبر (Weber, 1978) نخستین کسی بود که اصطلاح سبک زندگی را به کار برد. او بر مبنای تعریف چندبعدی خود از قشربندی اجتماعی و تأکید بر منزلت به‌عنوان یکی از ابعاد و مؤلفه‌های قشربندی، اصطلاح سبک زندگی را در ارتباط با این بعد به کار گرفت (Goshbar, 2005). از نظر وبر سبک زندگی تفاوت بین گروهی را ایجاد می‌کند و به برتری‌های منزلتی و طبقاتی مشروعیت می‌بخشد. گروه‌های منزلت از راه سبک‌های زندگی به گروه مرجع تبدیل می‌شوند و معیار قضاوت اجتماعی قرار می‌گیرند. بدین ترتیب از نظر وبر سبک زندگی پیوستگی بسیار نزدیکی با نوع اشتغال دارد (Ibid, 75).

چارچوب نظری تحقیق

از چهارچوب نظری یا مفهومی برای ترسیم خطوط کلی پژوهش یا ارائه رویکرد ترجیحی استفاده می‌شود. با توجه به دیدگاه‌های مطرح شده در بخش نظری و همچنین تحقیقات پیشین، در خصوص تأثیر عوامل تعیین‌کننده بر رفتار باروری مفاهیم دخیل در این پژوهش به‌صورت ذیل استخراج و ارائه می‌شوند. کاهش مرگ‌ومیر

کودکان، افزایش شهرنشینی، بهبود نظام شبکه بهداشتی، استقرار مجدد برنامه‌های تنظیم خانواده، افزایش سواد و تحصیلات به‌ویژه سواد دختران، کاهش تعداد فرزندان دلخواه و در مجموع عوامل فرهنگی - اجتماعی از جمله این موارد می‌باشند.

در جوامع سنتی بخش اعظم کاهش باروری به دلیل کاهش مرگ‌ومیر تبیین می‌شد اما با حرکت به سوی مدرنیته، افراد در برخورد با جامعه و تحت تأثیر ضوابط و قوانین و مقررات در زمینه فرزند آوری تصمیم می‌گیرند و در واقع با محاسبات عقلانی دست به انتخاب می‌زنند. جامعه‌شناسان بر این باورند که هراندازه کشوری در مسیر توسعه اقتصادی اجتماعی بیشتر حرکت کند و گام به پیش نهد، بیش‌تر انگیزه‌ها و سلیقه‌های فردی است که رفتار باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برعکس، در جوامع توسعه نیافته، بیشتر سیستم کلی حاکم بر جامعه، نهادها و مقررات است که به باروری جهت می‌دهد.

در این‌گونه جوامع سبک زندگی افراد تغییر می‌کند و موقعیت‌های جدید در محیط‌های مختلف برای افراد شکل می‌گیرد. تمایل به تحصیل و تأخیر در سن ازدواج، شاغل شدن زن در اجتماع، گسترش شهرنشینی، واگذار شدن وظایف خانواده به سایر نهادها، همه و همه بر رفتار باروری تأثیر گذاشته تا بدان جا که افراد جامعه را به سمت تحدید موالید سوق می‌دهد. از طرف دیگر باروری در جوامع شهری به‌عنوان رفتار پیچیده، عامل بقای بیولوژیکی جامعه بشمار می‌آید و بدین لحاظ در مطالعات جمعیتی جایگاه خاص را به خود اختصاص داده است (خدیوزاده و دیگران، ۱۳۹۳).

سبک زندگی مفهومی است که با انتخابی شدن زندگی روزمره معنا می‌یابد. بدین ترتیب که برخلاف جوامع سنتی که افراد، جایگزین و بدیل‌های اندکی در میان برنامه‌های زندگی داشتند، در جامعه معاصر به‌واسطه اهمیت یافتن خود و مسئولیت

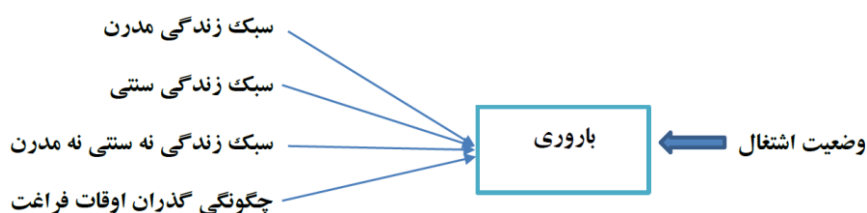
شخصی و ظهور جامعه مصرفی در زندگی، قدرت انتخاب نیز بیشتر شده است. سبک زندگی نتیجه همه گزینش‌ها، ترجیحات و رفتارهایی است که فرد در ارتباط با کالاهای مادی و فرهنگ مصرفی انجام می‌دهد.

در دیدگاه وبلن (Veblen, 2004) افراد در مشاغل متفاوت سبک زندگی متفاوتی دارند و آن‌هایی که مشاغل کلیدی جامعه را اشغال کرده‌اند، به گونه‌ای وانمود می‌کنند که سبک فکرشان و عمل و کردارشان از دیگر افراد جامعه برتر است و این را جایگاه شغلی آن‌ها تبیین می‌کند. این افراد درآمد بیش‌تری را کسب می‌کنند، لذا شیوه زندگی متفاوتی که برای آن‌ها نشانه افتخار است، انتخاب می‌کنند.

در این پژوهش بسته به موضوع مورد بررسی «تحلیل رابطه سبک زندگی با کاهش باروری» تئوری نظریه‌گذار جمعیتی، تبیین نهادی و نظریه نوسازی به‌عنوان مبنا تحلیل باروری و نظریه وبلن مبنای تحلیل سبک زندگی قرار گرفته است. در ابتدا نظریات اقتصادی باروری به اختصار بیان شد که در مجموع می‌توان گفت تئوری‌های ساختاری تبیین باروری بر این باورند که تصمیم‌گیری تولید فرزندانی هستند که از لحاظ اقتصادی عقلانی بوده و توجه به عوامل اقتصادی، انگیزشان را جهت باروری به وجود آورد؛ که البته هدف تحقیق تمرکز بر این عوامل نیست؛ اما از طرف دیگر تئوری تبیین نهادی بر این فرض بود که علاوه بر تأثیر سیاست‌های دولت بر کاهش باروری، عوامل دیگری چون تغییر شکل اقتصادی خانواده بهبود و پیشرفت وضعیت و موقعیت زنان در خانواده و اقتصاد و تغییرات عمده فرهنگی در کاهش باروری تأثیرگذارند؛ و از ظرف دیگر نظریه مدرنیزاسیون یا همگرایی خانواده بر این اعتقاد است که آن دسته از افرادی که تحصیلات و سواد بیشتر دارند، شهرنشین‌تر بوده و از وسایل ارتباط جمعی و اوقات فراغت برخوردار می‌باشند. در نتیجه ایده‌ها و نوآوری‌های

جدیدی در زمینه رفتار باروری از خود نشان می‌دهند. همچنین گرایش‌ها، طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها و رفتارهایی که افراد در مدرسه می‌آموزند، با تجارب بعدی زندگی او در تعامل است. طبق این نظریه در مجموع گرایش کلی برای داشتن باروری کمتر را ایجاب می‌کند.

در واقع می‌توان نتیجه گرفت که یکی از متغیرهای تعیین‌کننده در رفتار باروری سبک زندگی است. لازم به ذکر است که در این تحقیق مفاهیم و مؤلفه‌های سبک زندگی در دو بعد اوقات فراغت و پایگاه اقتصادی اجتماعی قابل مشاهده و سنجش است.



فرضیه‌های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد بین سبک زندگی مدرن و باروری زنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین سبک زندگی سنتی و باروری زنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین سبک‌های زندگی مدرن، سنتی و نه سنتی و نه مدرن و باروری زنان رابطه معناداری وجود دارد.

۴- به نظر می‌رسد بین چگونگی گذران اوقات فراغت (به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم در جامعه امروزی برای تعریفی از سبک زندگی) و باروری زنان رابطه معناداری وجود دارد.

۵- به نظر می‌رسد بین وضعیت اشتغال پاسخگویان و باروری زنان رابطه معناداری وجود دارد.

پیشینه تجربی پژوهش

محققین	موضوع مورد مطالعه	عمده‌ترین نتایج
مزینی و همکاران (۱۳۹۸)	بررسی اثر توسعه فضای مجازی بر مشارکت زنان در اقتصاد ایران (مطالعه موردی اشتغال زنان و نرخ باروری)	نتایج نشان می‌دهد که بین نرخ‌های باروری و مشارکت زنان رابطه‌ای معکوس وجود دارد و با گسترش فضای مجازی، نرخ مشارکت زنان افزایش می‌یابد؛ اما گسترش فضای مجازی برخلاف انتظار، بر نرخ باروری تأثیر مثبت و معناداری نداشته است.
خواجه نوری و مساوات (۱۳۹۷)	مطالعه رابطه سبک زندگی و رفتار مصرف‌کننده (مطالعه موردی: زنان متأهل شهر شیراز)	نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها بیانگر آن بود که ابعاد مختلف سبک زندگی، از جمله بعد فرهنگی، شبکه‌های مجازی، مدیریت بدن و مصرف آرایش، سبک دینی و فعالیت‌های گذران اوقات فراغت رابطه معنی‌داری با شیوه رفتار مصرفی پاسخگویان داشته‌اند.
محمدی و صیفوری (۱۳۹۶)	بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر ترجیح باروری زنان	یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نگرش منفی پاسخگویان نسبت به آینده جامعه بیشترین همبستگی را با ترجیح باروری دارد؛ پس از آن سهم فردگرایی، منفعت‌طلبی، نگرش نسبت به فرزند، خردگرایی و رضایتمندی زناشویی محاسبه شده است. متغیرهای میزان مطالعه، تحصیلات، درآمد و استفاده از رسانه به شکل غیرمستقیم ترجیح باروری زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر اساس یافته‌های این تحقیق مهم‌ترین عامل اثربخش بر ترجیح باروری زنان، نگرش منفی آن‌ها نسبت به آینده است که به شکل غیرمستقیم تحت تأثیر میزان درآمد، میزان استفاده از رسانه‌ها و میزان تحصیلات است.

عمده ترین نتایج	موضوع مورد مطالعه	محققین
تحلیل مدل رگرسیونی نشان داد متغیرهای بررسی شده حدود ۱۶ درصد از تغییرات نگرش در مورد فرزندآوری را تبیین می کنند. همچنین بر اساس تحلیل مسیر، در بین متغیرهای مورد بررسی مهم ترین متغیر اثرگذار بر نگرش در مورد فرزندآوری، متغیر مشارکت اجتماعی با ضریب بتای ۰/۳۲۹ بوده است و بعد از این متغیر، متغیرهای شبکه های اجتماعی مجازی، سرمایه فرهنگی نهادی و سرمایه فرهنگی تجسم یافته به ترتیب بیشترین سهم را در نگرش زوجین شهر تهران در مورد فرزندآوری دارند. همچنین، متغیر مصرف محصولات فرهنگی به عنوان یک متغیر میانی اثرگذار بر متغیر وابسته، بیشترین تأثیرپذیری را از سایر متغیرها داشته است.	تأثیر مؤلفه های سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به فرزندآوری	کاوه فیروز و همکاران (۱۳۹۶)
بحران اقتصادی در کشورهای جنوب اروپا تأثیر مستقیمی بر رفتار باروری جوانان داشته است؛ و خانواده ها به دلیل نوسانات سیاسی و اقتصادی تمایل کمتری به باروری و فرزندآوری دارند.	تأثیر تحولات اخیر رکود اقتصادی اروپا بر باروری	گلدشتاین و همکاران (۲۰۱۳)
تأثیر مؤلفه های سبک زندگی (تغذیه، ورزش و اقتضای شغلی و محیطی) بر رفتار باروری و فرزندآوری است. از دیگر نتایج پژوهش اینکه شواهد نشان می دهد که سن ممکن است نقش بزرگی در تعیین باروری ایفا نماید.	فاکتورهای سبک زندگی سلامت محور: تأثیرگذار بر رفتار باروری	شارما و دیگران (۲۰۱۳)

روش شناسی

این تحقیق از نوع کمی و راهبردی پیمایش مبتنی بر رویه توصیفی و همبستگی است. واحد تحلیل آماری فرد می باشد و جامعه آماری کلیه زنان متأهل ۴۹-۱۵ ساله اهواز است که بر اساس داده های سرشماری سال ۱۳۹۵ شهر اهواز، تعداد آنها ۲۱۱۹۲۱ نفر می باشد. برای تعیین حجم نمونه، بر اساس فرمول تعیین حجم کوکران با

خطای ۵ درصد، نمونه‌ای ۳۸۴ نفری انتخاب شده است. این فرمول به صورت زیر است:

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

در این فرمول:

$$N = 211921 \quad n = 384 \quad d = \text{میزان خطا (0/05)} \quad t = \text{ضریب اطمینان (1/96)}$$

$$S^2 = \text{پیش برآورد واریانس متغیر مورد نظر در جمعیت (0/5)}$$

همچنین شیوه نمونه‌گیری این تحقیق، نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده (مناطق شهری با توجه به سطح برخورداری طبقه‌بندی شده‌اند) متناسب با حجم جمعیت آماری است که یکی از شیوه‌های نمونه‌گیری تصادفی است، بدین صورت که شهر اهواز را به هشت منطقه طبقه‌بندی و از هر منطقه به نسبت حجم جمعیتی آن نمونه انتخاب شده است. شهر اهواز، با ۱۳۰۲۰۰۰ نفر جمعیت در سال ۱۳۹۵ بزرگترین شهر استان خوزستان است. این شهر از نظر موقعیت جغرافیایی در ۳۱ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی در جلگه‌ای با ارتفاع ۱۸ متر از سطح دریا قرار دارد از لحاظ وضعیت برخورداری مناطق شهر اهواز به لحاظ خدمات شهری، به ترتیب مناطق ۱ و ۴ در رتبه اول و دوم و مناطق ۳ و ۷ در رتبه‌های ششم و هفتم قرار دارند. همچنین، مناطق ۱ و ۴ کاملاً برخوردار، مناطق ۲ و ۸ در وضعیت متوسط، مناطق ۳ و ۶ نسبتاً محروم و در نهایت، منطقه ۷ کاملاً محروم از توسعه هستند (امیریان، ۱۳۹۶: ۲۸۲). جدول طبقه‌بندی نمونه بر اساس مناطق در جدول ذیل قابل مشاهده است:

جدول ۱: تعداد نمونه‌های تخصیص یافته به نسبت مناطق شهرداری

مناطق شهرداری اهواز	جمعیت زنان	درصد	نمونه اختصاص یافته
منطقه یک	۷۰۰۲۸	۱۱/۹	۴۶
منطقه دو	۵۳۴۸۸	۹/۰	۳۵
منطقه سه	۸۸۳۱۷	۱۵/۰	۵۸
منطقه چهار	۷۷۲۱۸	۱۳/۱	۵۰
منطقه پنج	۵۲۴۵۹	۸/۹	۳۴
منطقه شش	۸۲۰۹۹	۱۳/۹	۵۳
منطقه هفتم	۶۹۵۸۰	۱۱/۸	۴۵
منطقه هشتم	۹۴۸۲۵	۱۶/۱	۶۳
جمع کل	۵۸۸۰۱۴	۱۰۰	۳۸۴

به منظور استخراج دقیق تر، بیشتر سؤالات با استفاده از طیف لیکرت پنج درجه‌ای با دامنه (۵ تا ۱) مبتنی بر گویه‌های خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم ساخته شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار spss استفاده شده است و برای ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یک طرفه، آزمون T و تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد.

جدول ۲: تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

متغیر / مؤلفه	تعریف مفهومی	تعریف عملیاتی	گویه
باروری	به عمل توالد و تناسل واقعی اطلاق می‌شود (تمنا، ۱۳۸۴)	تعداد فرزندان زنده‌ای که یک زن به دنیا آورده است	۱- تعداد فرزندان که به دنیا آورده‌اید. ۲- تعداد فرزندان دلخواه ۳- تعداد فرزندان فوت شده
سبک زندگی	گیدنز نیز سبک زندگی را روش الگو مند مصرف، درک و ارزش گذاری محصولات فرهنگی مادی می‌داند که استقرار معیارهای هویتی را در چارچوب زمان و مکان ممکن می‌سازد (گیدنز به نقل از خواجه‌نوری و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۸).	در پژوهش حاضر، برای اندازه‌گیری این متغیر تمام گویه‌هایی که مربوط به سبک زندگی بود را کدگذاری مجدد کرده و سه متغیر جدید در SPSS اضافه کردیم (سبک زندگی مدرن، سنتی و نه سنتی نه مدرن) و برای وارد کردن نمره برای هر سؤال مشخص شد که کدام پاسخها نشان‌دهنده سبک مدرن و کدام سبک سنتی هستند به‌عنوان مثال اگر کنسرت رفتن از ۱ تا ۵ نمره‌گذاری شده و ملاک این باشد که هرچه فرد بیشتر به کنسرت می‌رود مدرن‌تر است پس گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد را نشانه مدرن بودن و کم و خیلی کم را نشانه سنتی بودن و تا حدی را نشانه نه سنتی نه مدرن بودن گرفتیم و این متغیر را کدگذاری مجدد کردیم به این شکل که کدهای ۴ و ۵ را کد ۰ به معنی مدرن، کد ۱ را به معنای سنتی و کد ۲ را به معنای نه سنتی نه مدرن تعریف کردیم و در نهایت نمرات متغیرهای جدید را باهم جمع کرده و نمره سبک زندگی را به دست آوردیم.	۱- چقدر مطالعه می‌کنید؟ ۲- چقدر به کنسرت می‌روید؟ ۳- چقدر به تماشای تئاتر و نمایش می‌روید؟ ۴- چقدر به بازدید موزه‌ها و نمایشگاه‌ها می‌روید؟ ۵- تا چه حد لباس‌هایی را انتخاب می‌کنید که جلوه بیشتری دارند؟ ۶- تا چه حد لباس‌هایی را انتخاب می‌کنید که تک بودن شما را نشان دهد؟ ۷- تا چه حد لباس‌هایی را که انتخاب می‌کنید باید مطابق مد روز باشد؟ ۸- تا چه حد لباس‌هایی را که انتخاب می‌کنید باید متناسب با فرهنگ رسمی کشور باشد؟ ۹- رژیم غذایی تا چه حد برای شما اهمیت دارد؟ ۱۰- تا چه حد داشتن اندام متناسب برای شما مهم است؟ ۱۱- آرایش موی سر مطابق مد روز ۱۲- آرایش صورت مطابق مد روز ۱۳- استفاده از عطر و ادکلن ۱۴- آرایش ناخن‌ها ۱۵- استفاده از لنت‌های رنگی ۱۶- استفاده از زیورآلات

متغیر / مؤلفه	تعریف مفهومی	تعریف عملیاتی	گویه
اوقات فراغت	اوقات فراغت دربرگیرنده مجموعه‌ای از اشتغالات است که فرد با کمال میل بدان می‌پردازد. خواه به‌منظور استراحت، خواه برای ایجاد تنوع و خواه باهدف گسترش اطلاعات و آموزش	در تحقیق حاضر، برای عملیاتی کردن متغیر اوقات فراغت از زنان بررسی شده خواسته می‌شود که میزان پرداختن خود را به گذران اوقات فراغت با ۱۴ سؤال، همچون مهمانی رفتن یا مهمانی دادن، مسافرت داخلی یا خارجی، گردش با ماشین، پارک رفتن و... طبق طیف لیکرت، مشخص کنند و سپس این گویه‌ها را در سه بعد ورزشی، فرهنگی-مذهبی و سرگرمی گروه‌بندی کردیم که هر گروه شامل سؤالات مربوط به خود بود. در مرحله بعد گویه‌های مربوط به هر بعد را با یکدیگر جمع کردیم و سپس هریک از دسته‌ها را بر تعداد گویه‌های مربوطه تقسیم و...)	۱- مهمانی رفتن یا مهمانی دادن ۲- گوش کردن به رادیو ۳- گفتگوی تلفنی با دوستان و اقوام ۴- شرکت در مهمانی‌های دوستان یا پارتی‌ها ۵- شرکت در باشگاه‌های ورزشی ۶- زیارت ۷- رفتن به مسجد ۸- پارک رفتن ۹- قدم زدن ۱۰- گردش با ماشین یا موتورسواری در شهر ۱۱- بازدید از مراکز خرید یا پاساژها ۱۲- کارهای هنری (مثل نقاشی و خطاطی و...) ۱۳- مسافرت داخلی یا خارجی ۱۴- ورزش کردن
اوقات فراغت	مادی) و خواه برای مشارکت اجتماعی آزاد، بعد از آنکه از الزامات حرفه‌ای، خانوادگی و اجتماعی فارغ گشت (بیرو، به نقل از سنایی، ۱۳۹۲: ۹۷).	نموده و متغیر جدید را تحت عنوان اوقات فراغت در نرم‌افزار تعریف کردیم و برای بعد ورزشی کد ۱، بعد فرهنگی-مذهبی کد ۲ و بعد سرگرمی کد ۳ را اختصاص دادیم.	

برای محاسبه پایایی گویه‌های پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب پایایی سؤالات مربوط به اوقات فراغت ۰/۹۵ است که در حد قابل قبولی بوده است.

متغیر / مؤلفه	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ	KMO	آزمون بارتلت	درجه آزادی	سطح معناداری
سبک زندگی	۱۶	۰/۸۱	۰/۷۸	۷۰۱/۵۰۶	۳۲	۰/۰۰۰

آزمون کرویت بارتلت میزان معناداری روابط بین ابعاد موردنظر را نشان می‌دهد (هومن، ۱۳۸۵: ۱۰۵). مقدار آماره KMO، عدد ۰/۷۸ و ۰/۸۱ به دست آمد که نشانگر کفایت نمونه‌گیری است. معنادار بودن آزمون کرویت بارتلت نیز نشان می‌دهد که شرایط تحلیل عاملی برقرار است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۲۶/۷ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال قرار دارند. بیشتر زنان مورد بررسی دارای تحصیلات لیسانس و سپس فوق‌دیپلم هستند. در مورد تعداد فرزندان که به دنیا آورده‌اند، زنان دارای یک و دو فرزند به ترتیب با ۳۴/۶ و ۳۵/۲ درصد، بیشترین فراوانی را در بین پاسخگویان داشتند. در مورد تعداد سقط‌هایی که داشته‌اند، بیشترین فراوانی متعلق به زنانی بود که یک سقط داشته‌اند که از کل پاسخگویان ۱۹/۵ درصد را شامل می‌شوند.

جدول ۳: توزیع درصد فراوانی پاسخگویان بر حسب مؤلفه‌های زمینه‌ای

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	دامنه	حداقل	حداکثر
سن	۳۴/۷	۷/۲۶	۳۶	۱۶	۵۲
تحصیلات	۱۳/۷	۲/۹۸	۱۷	۵	۲۲
تعداد فرزندان	۱/۶	۱/۱۰	۶	۰	۶
تعداد فرزندان سقط شده	۰/۴	۰/۷۵	۴	۰	۴

جدول فوق نشان می‌دهد که در بین پاسخگویان کمترین سن ۱۶ سال و بیشترین ۵۲ سال می‌باشد. کمترین میزان تحصیلات متعلق به مقطع ابتدایی و بیشترین متعلق به مقطع دکتری است.

یافته‌های استنباطی

بررسی فرضیه اول: رابطه بین سبک زندگی مدرن با باروری زنان

جدول ۴: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر / مؤلفه مستقل	متغیر وابسته	شدت رابطه	سطح معناداری	نتیجه آزمون	نوع رابطه
سبک زندگی مدرن	باروری	۰/۷	۰/۰۲۰	تأیید	معکوس

جدول فوق میزان و شدت رابطه میان متغیرهای سبک زندگی مدرن و باروری را نشان می‌دهد که فرضیه فوق تأیید شده است. مطابق جدول میزان همبستگی بین متغیر مستقل سبک زندگی مدرن با متغیر وابسته در سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۵ و ۰/۰۱ بوده و شدت رابطه ۰/۷ است. نتایج نشان داد که رابطه معنادار بین متغیر مستقل سبک زندگی مدرن و متغیر وابسته باروری وجود دارد. به عبارتی با افزایش متغیر مستقل سبک زندگی مدرن در بین زنان شهر اهواز، میزان متغیر وابسته باروری کاهش می‌یابد. در نهایت همبستگی کل بین متغیر مستقل سبک زندگی مدرن و متغیر وابسته باروری مورد سنجش قرار گرفت که میزان همبستگی آن با شدت ۰/۷ و سطح معناداری ۰/۰۲۰ فرض تحقیق را تأیید کرد. نتایج گواه این است که رابطه معناداری با شدت قوی بین متغیر مستقل سبک زندگی مدرن و متغیر وابسته باروری وجود دارد. در جامعه‌ی ایرانی، باورهای راجع به سبک زندگی و زندگی ایدئال در حال گسترش است که فرزند کمتر را همراه با سعادت‌مندی و بهروزی بیشتر می‌بیند (عالمی، ۱۳۹۷: ۸).

بررسی فرضیه دوم: رابطه بین سبک زندگی سنتی با باروری زنان

جدول ۵: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر / مؤلفه مستقل	متغیر وابسته	شدت رابطه	سطح معناداری	نتیجه آزمون	نوع رابطه
سبک زندگی سنتی	باروری	۰/۸	۰/۰۱۶	تأیید	مستقیم

جدول فوق میزان و شدت رابطه میان متغیرهای تحقیق (سبک زندگی سنتی و باروری) را نشان می‌دهد و فرضیه فوق تأیید شده است. مطابق جدول میزان همبستگی بین مؤلفه‌های مستقل سبک زندگی سنتی با متغیر وابسته در سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۵ و ۰/۰۱ بوده و شدت رابطه ۰/۸ است. نتایج نشان داد که رابطه معنادار بین متغیر مستقل سبک زندگی سنتی و متغیر وابسته باروری وجود دارد. به عبارتی با افزایش هر یک از ابعاد متغیر مستقل سبک زندگی سنتی بین زنان شهر اهواز، میزان متغیر وابسته باروری افزایش می‌یابد. در نهایت همبستگی کل بین متغیر مستقل سبک زندگی سنتی و متغیر وابسته باروری مورد سنجش قرار گرفت که میزان همبستگی آن با شدت ۰/۸ و سطح معناداری ۰/۰۱۶ فرض تحقیق را تأیید کرد. نتایج گواه این است که رابطه معناداری با شدت قوی بین متغیر مستقل سبک زندگی سنتی و متغیر وابسته باروری وجود دارد.

بررسی فرضیه سوم: رابطه بین سبک‌های زندگی مدرن، سنتی و نه سنتی نه مدرن با باروری زنان

جدول ۶: بررسی تفاوت میانگین باروری زنان برحسب سبک‌های زندگی

سبک‌های زندگی	مدرن	سنتی	نه سنتی نه مدرن	جمع
تعداد	۹۲	۲۱۴	۷۸	۳۸۴
میانگین	۱/۵۰۰۰	۱/۸۳۱۸	۱/۲۱۷۹	۱/۶۲۷۶

منبع متغیر	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	Sig	تأیید/رد
بین گروهی	۲	۱۱/۷۵۴			
درون گروهی	۳۸۱	۱/۱۶۶	۱۰/۰۸۱	۰/۰۰۰	تأیید می شود.
کل	۳۸۳				

با توجه به نتایج جدول مشخص است که سطح معناداری (Sig) در بین متغیر سبک‌های زندگی (مدرن، سنتی، نه سنتی و نه مدرن) پایین‌تر از مقدار ۰/۰۵ است؛ از این رو تفاوت میانگین‌ها بین سبک‌های زندگی (مدرن، سنتی و نه سنتی و نه مدرن) تأیید می‌شود. سطح معناداری آنکه ۰/۰۰۰ است بیانگر عدم تفاوت بین سبک‌های زندگی و باروری در این تحقیق بوده است.

بررسی فرضیه چهارم: رابطه بین چگونگی گذران اوقات فراغت با باروری زنان

جدول ۷: بررسی تفاوت میانگین باروری زنان بر حسب سبک‌های زندگی

سبک‌های زندگی	ورزشی	فرهنگی-مذهبی	سرگرمی	جمع
تعداد	۱۲	۳۷	۲۳۵	۲۸۴
میانگین	۱/۴۵۵۴	۲/۲۴۳۲	۱/۶۱۲۸	۵/۳۱۱۴

منبع متغیر	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	Sig	تأیید/رد
بین گروهی	۱۷	۱۲/۴۲۱			
درون گروهی	۲۳۴	۱/۲۲۳	۷/۳۵۹	۰/۰۰۱	تأیید می شود.
کل	۲۵۱				

با توجه به نتایج جدول مشخص است که سطح معناداری (Sig) در بین متغیر چگونگی گذران اوقات فراغت و فرزند آوری پایین تر از مقدار ۰/۰۵ است؛ از این رو تفاوت میانگین‌ها بین ابعاد اوقات فراغت (ورزشی، فرهنگی-مذهبی و سرگرمی) تأیید می‌شود. همچنین سطح معناداری ۰/۰۰۱ است که بیانگر تفاوت معنادار بین متغیرهای ابعاد اوقات فراغت و باروری در این تحقیق بوده است.

بررسی فرضیه پنجم: رابطه بین وضعیت اشتغال و باروری زنان

جدول ۸: میانگین و انحراف معیار وضعیت اشتغال در دو گروه شاغل و غیر شاغل

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار
وضعیت اشتغال	شاغل	۱/۶۲۵۰	۰/۸۰۲۷۶
	غیر شاغل	۱/۶۲۸۶	۱/۱۹۹۴۲

جدول ۹: آزمون معنی‌داری T وضعیت اشتغال در دو گروه زنان شاغل و غیر شاغل

متغیر	آزمون لون برای برابری واریانس‌ها		معنی‌داری T آزمون	
	F	سطح معنی‌داری	T	درجه سطح معنی‌داری اختلاف (دو دامنه) میانگین
وضعیت اشتغال	۰/۶۵۲	۰/۰۰۰	-۰/۰۲۸	۳۸۲
فرض برابری واریانس‌ها			۰/۰۱۲	۶۹/۸۸۶

همچنان که نتایج جدول نشان می‌دهد میانگین وضعیت اشتغال زنان شاغل برابر $1/6250$ و زنان غیر شاغل برابر $1/6286$ بوده است. برای آزمون این فرضیه از آزمون T با دو نمونه مستقل استفاده شده است و برای آزمون فرض برابری واریانس‌ها از آزمون لون استفاده شده است. مقدار آزمون لون (آزمون F) برابر با $0/652$ و سطح معنی‌داری آن نیز برابر با $0/000$ است که از $0/05$ کوچک‌تر است؛ پس فرض برابری واریانس تأیید می‌گردد. با توجه به جدول، مقدار T برابر با $-0/028$ بوده و سطح خطای آن برابر با $0/000$ است که بیانگر معنی‌دار بودن است؛ بنابراین باید اشاره کرد که از نظر آماری تفاوت معناداری در خصوص رابطه وضعیت اشتغال با باروری وجود دارد و بین میانگین دو گروه شاغل و غیر شاغل تفاوت قابل مشاهده است.

تحلیل رگرسیون چند متغیره

در مدل‌های آماری، تحلیل رگرسیون یک فرایند آماری برای تخمین روابط بین متغیرها است. تحلیل رگرسیون خصوصاً کمک می‌کند در فهم اینکه چگونه مقدار متغیر وابسته با تغییر هر کدام از متغیرهای مستقل و با ثابت بودن دیگر متغیرهای مستقل تغییر می‌کند. زمانی که تعداد متغیرهای مستقل دو و یا بیشتر باشد، دیگر رگرسیون خطی ساده نمی‌تواند نتایج دقیقی از تأثیر این متغیرها به دست دهد. در چنین شرایطی از رگرسیون چندمتغیره استفاده می‌شود که یکی از این روش‌ها، روش هم‌زمان است که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۱۰: تحلیل رگرسیون چندمتغیره

متغیرهای مستقل	ضرایب معیار نشده		عامل تورم واریانس (vif)
	B	ضریب تولرانس	
مقدار ثابت	۱۰/۲۴۶	۱۵/۳۱۷	-
سبک زندگی مدرن	-۱/۱۰۸	۰/۴۴۰	۱/۲۱۳
سبک زندگی سنتی	-۱/۰۲۸	۰/۴۳۸	۱/۶۲۵
سبک زندگی نه سنتی نه مدرن	-۰/۹۷۳	۰/۴۳۸	۱/۹۹۴
بعد ورزشی اوقات فراغت	-۰/۰۷۹	۰/۰۶۵	۱/۵۰۸
بعد فرهنگی - مذهبی اوقات فراغت	۰/۱۶۲	۰/۰۷۳	۱/۵۲۸
بعد سرگرمی اوقات فراغت	۰/۱۱۲	۰/۰۹۹	۱/۳۹۴
وضعیت اشتغال	-۰/۰۴۶	۰/۰۱۷	۱/۸۳۱
ضریب همبستگی (R)	مجذورات (R)	ضریب (R ²) تعدیل شده	آماره F
۰/۶۱۲	۰/۳۲۳	۰/۱۰۲	۷/۸۹۴
			سطح معناداری (Sig)
			۰/۰۰۰

R² نشان می‌دهد که با استفاده از این متغیرها می‌توان ۰/۱۰۲ درصد از واریانس مربوط به باروری زنان را تبیین کرد. همچنین مقادیر مربوط به وزن استاندارد (β) و غیراستاندارد (b) متغیرهای مستقل مؤلفه‌های سبک زندگی نه سنتی نه مدرن ($\beta = -۰/۹۷۳$)، سبک زندگی مدرن ($\beta = -۱/۱۰۸$)، سبک زندگی سنتی ($\beta = -۱/۰۲۸$)، بعد ورزشی اوقات فراغت ($\beta = -۰/۰۷۹$)، بعد فرهنگی - مذهبی اوقات فراغت ($\beta = ۰/۱۶۲$) و بعد سرگرمی اوقات فراغت ($\beta = ۰/۱۱۲$) نشان می‌دهد.

با توجه به جدول فوق، مقدار ضریب همبستگی بین متغیرها ۰/۶۱۲ است که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق، همبستگی بالایی وجود دارد؛ و ضریب تعیین نیز نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل مورد بررسی در این پژوهش ۰/۱۰۲ درصد از کل تغییرات متغیر رفتار باروری در بین زنان شهر اهواز به وسیله متغیر مستقل (سبک زندگی) تبیین می‌شود. همچنین با توجه به اینکه سطح معنی‌داری جدول خلاصه مدل رگرسیونی کمتر از ۱ درصد قرار دارد، می‌توان نتیجه گرفت که الگوی رگرسیونی این پژوهش، الگوی خوبی است و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند، تغییرات مربوط به متغیر وابسته را پیش‌بینی کنند.

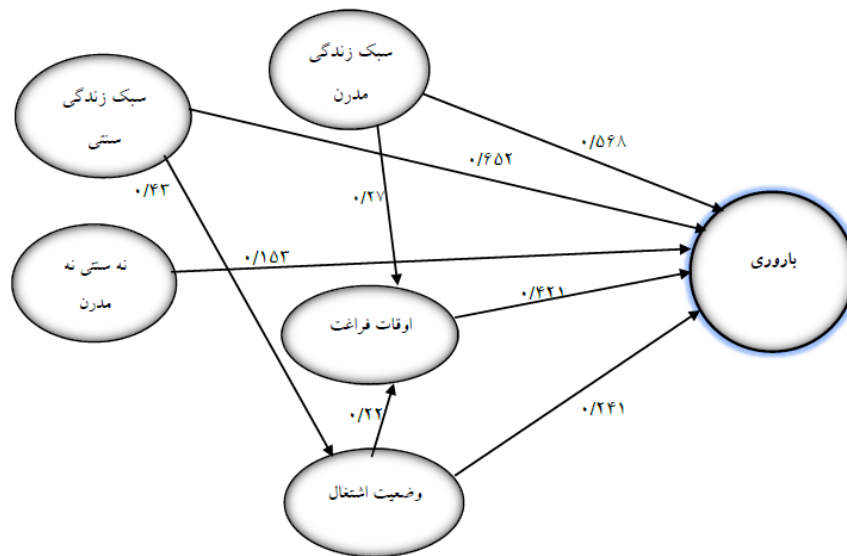
تحلیل مسیر

تحلیل مسیر فنی برای آزمودن مدل نظری تحقیق است. در تفسیر تحلیل مسیر ابتدا تأثیر مستقیم متغیرهای مستقل روی متغیر وابسته مطالعه می‌شود، سپس، مجموع اثرات غیرمستقیم برآورد می‌شود.

جدول ۱۱: اثر کل متغیر مستقل و مؤلفه‌های آن بر متغیر وابسته (باروری)

متغیر / مؤلفه مستقل	متغیر وابسته	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
سبک زندگی مدرن	باروری	۰/۵۶۸	۰/۲۷	۰/۸۳۸
سبک زندگی سنتی		۰/۶۵۲	۰/۴۳	۱/۰۸۲
سبک زندگی نه سنتی نه مدرن		۰/۱۵۳	-	۰/۱۵۳
چگونگی گذران اوقات فراغت		۰/۴۲۱	-	۰/۴۲۱
وضعیت اشتغال		۰/۲۴۱	۰/۲۲	۰/۴۶۱

تحلیل مسیر شکل (۱-۴) رابطه متغیرهای مستقل با متغیر باروری



در نهایت، مجموع اثرات محاسبه و تفسیر کلی مدل تحلیلی بیان می‌شود. با توجه به یافته‌های به دست آمده، بیشترین تأثیر بر متغیر باروری به متغیر سبک زندگی سنتی مربوط است که با ۰/۶۵۲ برابر بوده و رتبه‌ی بعدی نیز مربوط به متغیر سبک زندگی مدرن است که با ۰/۵۶۸ برابر است همچنین تأثیر متغیرهای چگونگی گذران اوقات فراغت، وضعیت اشتغال و سبک زندگی نه سنتی نه مدرن به ترتیب برابر با ۰/۴۲۱، ۰/۲۴۱ و ۰/۱۵۳ می‌باشد.

همان‌طور که نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد متغیر سبک زندگی مدرن با ۰/۵۶۸ تأثیر مستقیم و ۰/۲۷ تأثیر غیرمستقیم، متغیر سبک زندگی سنتی با ضریب ۰/۶۵۲ تأثیر مستقیم و با ضریب ۰/۴۳ تأثیر غیرمستقیم، متغیر سبک زندگی نه سنتی نه مدرن و

چگونگی گذران اوقات فراغت به ترتیب با ۰/۱۵۳ و ۰/۴۲۱ تأثیر مستقیم و متغیر وضعیت اشتغال با ضریب ۰/۲۴۱ تأثیر مستقیم و با ضریب ۰/۲۲ تأثیر غیرمستقیم بر متغیر باروری اثر گذارند.

نتیجه گیری

مسئله جمعیت بنا بر دلایل اقتصادی و نظامی از دیرباز مورد توجه سیاستمداران، اندیشمندان و فلاسفه بوده است. دانشمندان افزایش جمعیت را محرک اصلی توسعه و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی تلقی می کردند. گاهی نیز کیفیت را به کمیت برتر دانسته و از افزایش جمعیت گریزان بودند، به هر حال همیشه هدف نهایی اصلی داشتن جامعه‌ای مرفه و متعادل بوده است و دستیابی به این رفاه را گاه از طریق کاهش جمعیت و گاه از طریق افزایش جمعیت جستجو می کردند و بالاخره معتقد شدند که باید به حد متناسبی از جمعیت رسید که شرایط اقتصادی و اجتماعی، بالاترین رفاه ممکن را برای انسان فراهم آورد. در این پژوهش سعی شد تا رابطه بین سبک زندگی و کاهش باروری بررسی شود و اینکه آیا سبک زندگی بر کاهش باروری تأثیر می‌گذارد یا خیر؟ که در نهایت نتایج زیر به دست آمد؛

نتایج حاصل از مطالعه حاضر در بررسی رابطه‌ی بین سبک زندگی مدرن بر باروری نشان داد که بین سبک زندگی مدرن و باروری زنان رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. با مدرن شدن سبک زندگی افراد، رفتار باروری آنها تغییر کرده و تمایل آنها برای باروری کاهش پیدا می‌کند. هم‌زمان به شروع روند کاهش باروری - چه در کشورهای غربی و چه در دیگر کشورها - تغییرات فرهنگی و ارزشی گسترده‌ای در کشورها ایجاد شد که خود می‌تواند به‌عنوان عامل مهمی در تبیین

دگرگونی‌های اخیر رخ داده در زمینه باروری در آنها باشد. از نظر بسیاری از صاحب‌نظران از جمله وبر و گیدنز یکی از جنبه‌های مهم جامعه مدرن، غلبه فردگرایی بر جمع‌گرایی است که تغییراتی را در حوزه آگاهی و کنش افراد به وجود می‌آورد. از نظر محقق، چنین تغییری در درجه اول می‌تواند به دلیل تغییرات عمده‌ای باشد که در نگرش انسان‌ها و جامعه نسبت به فرزند و در نتیجه کاهش ارزش فرزند نزد آنها باشد. از این رو جهت‌گیری ارزشی می‌تواند به دو گونه مستقیم و غیرمستقیم (از طریق تغییراتی که نگرش انسان‌ها نسبت به ارزش فرزند ایجاد می‌کند) باروری و سطوح آن را تحت تأثیر و تغییر قرار دهد. این نتایج همسو با بررسی‌های برومند و ارجمند سیاه‌پوش (۱۳۹۵) و رسول‌زاده اقدم (۱۳۹۵) است. همچنین نتایج نشان داد که بین سبک زندگی سنتی و باروری زنان رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنا که سنتی بودن سبک زندگی افراد، برافزایش میزان باروری زنان تأثیر داشته است که این نتایج همسو با نتایج بررسی‌های برومند ارجمند سیاه‌پوش (۱۳۹۵) و رسول‌زاده اقدم (۱۳۹۵) است. همچنین پژوهش حاضر به بررسی رابطه‌ی بین انواع سبک‌های زندگی (مدرن، سنتی و نه سنتی نه مدرن) پرداخته و نتایج نشان داد که بین سبک‌های زندگی و باروری تفاوت معناداری وجود دارد؛ بنابراین این فرضیه برای رفتار باروری مورد تأیید قرار گرفت.

بر اساس نظریه گذار جمعیت‌شناسی، شرایط ساختاری مانند شهرنشینی، صنعتی شدن، توسعه اقتصادی- اجتماعی و مشخصه‌های اقتصادی اجتماعی و جمعیتی مثل سطح درآمد سرانه، مشارکت زنان در نیروی کار، سطح تحصیلات زنان و... فواید داشتن خانواده بزرگ و پرجمع را کاهش می‌دهد که این امر در خصوص خانواده‌هایی با سبک زندگی سنتی به صورت معکوس صادق است.

پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین ابعاد اوقات فراغت و باروری پرداخته است. نتایج این بررسی نشان داد که بین ابعاد اوقات فراغت (ورزشی، فرهنگی- مذهبی و سرگرمی) و باروری تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین در این پژوهش به بررسی رابطه بین وضعیت اشتغال زنان و باروری آن‌ها می‌پردازد. با توجه به یافته‌های تحقیق، این فرضیه مورد تأیید قرار نگرفت، بدین صورت که هیچ تفاوت معناداری بین متغیر وضعیت اشتغال با رفتار باروری وجود ندارد. نتیجه این فرضیه برخلاف نظریه اقتصاد جدید خانوار بکر است که معتقد به رابطه منفی بین اشتغال زنان و باروری است؛ بنابراین، بر اساس نتایج حاصله داشتن و یا نداشتن شغل هیچ‌گونه تأثیری بر کاهش و یا افزایش میزان باروری زنان شهر اهواز ندارد و میانگین فرزندآوری در بین شاغلین و غیر شاغلین تفاوت چندانی با همدیگر ندارد. این نتایج همسو با نتایج بررسی‌های صادقی و سرایی (۱۳۹۵) و داوودی (۱۳۹۵) و ناهم‌سو با نتیجه بررسی فطرس و همکاران (۱۳۹۶) است.

مطابق نظریه نوسازی و تبیین نهادی تغییر شکل اقتصادی خانواده، بهبود و پیشرفت وضعیت و موقعیت زنان در خانواده و اقتصاد و تغییرات عمده فرهنگی در کاهش باروری تأثیر گذارند.

در آزمون فرضیات تحقیق نیز، نتایج نشان می‌دهد که بین سبک‌های زندگی و رفتار باروری رابطه معناداری وجود دارد. این نتیجه با نظریات جدید در حوزه جمعیت‌شناسی نیز همسو است. در این نظریات، عواملی همچون نفوذ نیروهای سنتی، عقل‌گرایی، هزینه‌های رشد کودکان، مشارکت اقتصادی کودکان و رهایی زنان از قیدوبندها بر رفتار باروری سنجیده شده است و نظریه‌پردازان این تئوری‌ها معتقدند که

در جوامع توسعه‌یافته با کاهش هنجارهای سنتی و افزایش هزینه‌های رشد فرزندان و همچنین کاهش مشارکت اقتصادی کودکان و گسترش آزادی زنان در حوزه‌های اجتماعی، رفتار باروری نیز تغییر می‌کند. در این نظریات آمده است برخلاف گذشته که بیشتر بر ابعاد طبیعی، زیستی، اقتصادی و فایده‌گرایی باروری تأکید می‌شد امروزه هویت، ذائقه‌ها و سبک‌های زندگی به‌طورجدی تری در حوزه مطالعات مربوط به باروری مطرح هستند.

امروزه سبک زندگی به شیوه‌های عملکردی تبدیل شده است که هر فرد برمی‌گزیند تا روایتی خاص از زندگی و هویتش را به دیگران نشان دهد. سبک‌های زندگی باعث شکل دادن به رفتار افراد می‌شود. یکی از این رفتارهایی که سبک زندگی می‌تواند بر روی آن تأثیر بگذارد رفتار باروری زنان است. تأثیر سبک زندگی بر باروری زنان، در دنیایی که بیش از هر زمان دیگر تحت تأثیر موج جدید جهانی شدن که نمودش در فیلم‌ها و به‌ویژه فیلم‌های هالیوودی مشخص است و داشتن تصویری مثبت از بدن را، به مهم‌ترین نگرانی و دل‌مشغولی زنان تبدیل کرده است که بیش‌ازپیش آشکار است. به‌طوری‌که امروزه آنان بسیار بیشتر از هر زمان دیگرانی نگران چاقی، نداشتن اندام موزون، بدشکل و مانند این‌ها هستند. این امر می‌تواند درنهایت به کاهش تعداد فرزندان و تأخیر در زمان فرزند آوری زنان منجر شود.

در جامعه ما فردگرایی در نتیجه تغییر سبک‌های زندگی افراد بسیار بیشتر از زمان‌های دیگر شده است. امروزه سبک‌های زندگی افراد در پی گسترش ارتباطات و جهانی شدن، تحولات بسیاری به خود دیده است و پدیده‌هایی چون توجه به بدن به‌طورجدی مطرح شده است که این امر در حوزه مطالعات دموگرافیک با خود

پیامدهایی را به همراه دارد و گذار جمعیتی را سبب شده است. در چنین وضعیتی زنان دوست ندارند زود ازدواج کنند و خیلی زود هم صاحب فرزند شوند.

کوهلر و ارتگا^۱ (۲۰۰۲: ۱۸۶) معتقدند که این تعویق فرزندآوری حکایت از انباشت یک بدهی جمعیتی^۲ برحسب فرزندان است که آن‌ها به آینده موکول می‌کنند دارد؛ اما آن‌ها معتقدند افزایش در باروری نسلی که بالقوه در نتیجه این بدهی رخ می‌دهد به هر حال نیازمند این است که زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی در دهه‌های آینده منجر به کاهش انگیزه‌ها برای داشتن فرزند اول و دوم نشود. هم‌چنین باید به این واقعیت نیز توجه شود که در چنین مواقعی باروری به سنین نسبتاً بالاتر موکول می‌شود و زنانی که قصد داشتن این فرزندان را دارند اساساً سطوح بالاتری از سرمایه انسانی و تجربه بازار کار را دارند؛ بنابراین افزایش بالقوه در باروری نسلی نیازمند تغییرات اقتصادی اجتماعی است به طوری که تأخیر فرزندآوری منجر به کاهش در میل به داشتن فرزند اول و دوم نشود. برای مثال آن‌ها معتقدند که اگر وضعیت اشتغال در جامعه به قدری نامناسب باشد که زنان شاغل از بیم از دست دادن شغل خود، به سراغ فرزندآوری نروند و یا این که تحصیلات زنان تا حدی بالا رود که آن‌ها فردی برای ازدواج را در حد و اندازه خود پیدا نکنند ممکن است این بدهی جمعیتی پرداخت نشود.

هم‌چنین می‌توان گفت که با پیدایش نظریه‌های کنش متقابل و تأکید بر خود و ذهن به جای تأکید بر ساختارهای کلان، پدیده‌هایی مثل بدن و مدیریت آن در افراد بسیار بیشتر از گذشته مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین در چنین شرایطی، نظریه خود آینه سان کولی، انواع خود روزنبرگ و مدیریت تأثیرگذار گافمن قابل طرح است.

1. Kohler, H & Ortega, J

به این ترتیب، سبک‌های زندگی مدرن بعضاً حساسیت بیش از حد در مورد بدن و ظاهر آن و در نتیجه بروز مشکلاتی در بدن زنان مثل بی‌نظمی در تغذیه، کاهش اعتماد به نفس، لاغری، آسیب‌های بدنی و در عرصه فرزندآوری نیز، اجتناب از آن، به دلیل برهم خوردن تناسب اندام است؛ بنابراین زنان برای نیل به این امر، به مدیریت بدن می‌پردازند.

نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داد که مقدار ضریب تعیین تعدیل یافته برای زنان شهر اهواز برابر با ۰/۱۰۲ درصد می‌باشد و نشان‌دهنده این است که ۱۰ درصد از کل تغییرات باروری زنان شهر اهواز وابسته به متغیرهای مستقل وارد شده در این معادله است. همچنین از بین متغیرهایی که وارد رگرسیون شدند، متغیر میزان تحصیلات همسر در مجموع بیشترین اثر را بر متغیر باروری زنان داشته است.

پیشنهادات

در این قسمت پیشنهادات تحقیق در دو بخش پیشنهادها اجرایی و پژوهشی آورده شده است.

پیشنهادها اجرایی

امروزه در اکثر کشورهای جهان، سیاست‌های جمعیتی به بخش مهمی از برنامه‌های توسعه تبدیل شده است. این سیاست‌های جمعیتی برای جلوگیری از پیامدهایی که بعدها توسط مسئله جمعیت می‌تواند گریبان‌گیر جوامع گردد طراحی شده است. از آنجاکه امروزه سبک زندگی به متغیری بسیار کلیدی در بسیاری از حوزه‌های رفتار بشر تبدیل شده است و سیاست‌های جمعیتی نیز صرفاً با تأکید بر بایدها و بدون توجه به

هست‌ها با شکست مواجه خواهند شد، بنابراین برای نیل به این اهداف، توجه جدی مسئولین به نتایج این‌گونه تحقیقات ضروری خواهد بود و نتایج آن‌ها می‌تواند به سیاست‌گذاران در جهت رسیدن به اهداف جمعیتی‌شان بسیار کمک نماید.

پیشنهادها پژوهشی

از آنجاکه یافته‌های پژوهش حاکی از تفاوت رفتار باروری افراد برحسب سبک زندگی افراد است بهتر است مطالعات دیگری به صورت مفصل‌تر در مورد سازوکار تأثیر این متغیر صورت گیرد.

- درمجموع یافته‌های این تحقیق حاکی از تأثیر معنادار سبک زندگی بر رفتار باروری است؛ بنابراین بهتر است تیپولوژی‌های دیگری از سبک زندگی از دیدگاه‌ها و زوایای گوناگون به عمل آید تا وجوه مختلف این پدیده، بیشتر و دقیق‌تر آشکار شود.

- اجرای پژوهش‌هایی در استان‌های مختلف با سطوح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مختلف

- انجام پژوهش‌ها با روش‌های کیفی و مطالعات عمیق‌تر

منابع

- Abasi Shavazi, Mohammad Jalal (2001), Convergence of Reproductive Behaviors in Iran, Rate, Trend and Age Pattern of Fertility in Iranian Provinces in 1351 and 1996, *Social Sciences Letter*, No. 18. (in persian)
- Abasi Shavazi, Mohammad Jalal; Hosseini Chavoshi, Moment; McDonald, Peter (2009), *Pathway to Fertility Reduction Under the Replacement Level in the Islamic Republic of Iran, Population and Development in Iran: Dimensions and Challenges*, Rasoul Sadeghi, Tehran: Asian Studies and Research Center And Oceania. (in persian)
- Abasi Shavazi, Mohammad Jalal-Hosseini, Hatam (2007), Ethnicity and Fertility: Testing the Competing Hypotheses for Explaining Ethnic Fertility Differences in Urmia City, *Iranian Association of Demography*, Volume 2, Issue 4. (in persian)
- Abbasi-Shavazi, M. J. McDonald, P.& Hosseini-Chavoshi, M. (2009), *The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction*. New York: Springer.
- Adibi Sadeh, Mehdi; Siahpoush, Isaac Arjmand; Darvishzadeh, Zahra (2011), Investigation of Increased Fertility and Its Affecting Factors Among the Kurdish Tribe of Andimeshk, *Iranian Journal of Social Development Studies*, Volume 4, Number 1. (in persian)
- Anat, Halima; Parnian, Leila (2013), The Study of the Relationship between Cultural Globalization and Tendency to Childbearing, *Woman and Society*, Fourth Year, No. 2. (in persian)
- Basu, Alaka M. & Sonalde B. Desai (2012), ‘*Middle class dreams: India is one-child families*’. Paper presented at 27th Conference of International Union for the Scientific Study of Population (IUSSP), 2631 August, Bussan, Korea.
- Bourdieu, pierre (1984), *distinction: A social critique if the Iudgement of taste*, Routledje.

- Buhler, Christoph (2009), On the Structural Value of Children and Its Implication on Intended Fertility in Bulgaria, *Demography Research*, No. 18, 569-610.
- Fahi, Soroush-Vosoughi, Mansour-Salmani, Goodarz (2014), Investigating the Relationship between Virtual Social Media Use and Youth Lifestyle (Case Study: Khalkhal Youth), *Sociology of Youth Studies*, Volume 4, Number 13. (in persian)
- Fazli, Mohammad (2003), *Consumption and Lifestyle*, Qom: Sadeqh Morning. (in persian)
- Ghzlavi, Ali (2011), *Ethnicity and Fertility (Emphasizing on the Fertility of Women of Arab and Non-Arab Ethnic Groups Residing in Ahvaz)*, M.Sc., Shahid Chamran University of Ahvaz, Faculty of Economics and Social Sciences. (in persian)
- Hosseini, Hatam (2004), *An Introduction to Socio-Economic Demography and Family Planning*, Hamadan: Bu Ali Sina University Press. (in persian)
- Hosseini, Hatam (2011), *Social Economic Demography and Family Planning, Fourth Edition*, Second Edition, Hamadan: Bu Ali Sina University Press. (in persian)
- Hooman, Heydar Ali (2006), “Coefficients of Consensus among Graduates”, *Iranian Journal of Developmental Psychology*, No. 10. (in persian)
- Jain, Anrudh K. & and John A. Ross (2012), ‘‘Fertility Differences Among Developing Countries: Are They Still Related to Family Planning Program Efforts and Social Settings?’’. *International Perspectives on Sexual and Reproductive Health*. Volume 38, Number 1.15-22. (in persian)
- Kantari, Samad; Beek Mohammadi, Hasan; Zare Shahabadi, Akbar (2005), Demographic Factors Affecting Yazd Female Fertility in 2004, *Women’s Research*, Volume 3, Number 2. (in persian)

- Kaptijn, Ralf. Thomese, Fleur. G. van Tilburg, Theo. Liefbroer, Aart C & Deeg, Dorly J.H. (2010), “Low fertility in contemporary humans and the mate value of their children: sex-specific effects on social status indicators”, *Evolution and Human Behavior*, No 31: 59–68. (in persian)
- Kaveh Firouz, Zeinab; Zare, Bijan; Jahanbakhsh Ganjeh, Sadegh (2018), The Influence of Social and Cultural Capital Components on Attitudes toward Childbearing (Case Study: Couples on the Brink of Marriage in Tehran), *Social Studies and Research in Iran*, Volume 6, Issue 1. (in persian)
- Khajani, Bijan-Rouhani, Ali-Hashemi, Somayeh (2011), Lifestyle and Body Management. *Quarterly Journal of Sociology of Women*, Second Year, No. 4. (in persian)
- Khaje Nouri, Bijan; Mavasat, Ebrahim (2019), The Study of the Relationship between Lifestyle and Consumer Behavior (Case Study: Married Women in Shiraz), *Journal of Women and Society*. (in persian)
- Kohler, H. P. & Ortega, J. A. (2002), Tempo-Adjusted Period Parity Progression Measures: Assessing the Implications of Delayed Childbearing for Cohort Fertility in Sweden, the Netherlands and Spain. *Demographic Research*. Vol 6, No.7, Pp 145-190.
- Khajah Nouri, Bijan; Aliu Hashemi, Somayeh (2011), The relationship between lifestyle and body image. *Journal of Cultural Research*. Volume Four, Issue 1. (in persian)
- Mesini, Amir Hossein-Sahabi, Bahram-Mamalaki, Mehrfam (2019), Investigating the Effect of Cyberspace on Women’s Participation in Iranian Economy (Case Study of Women’s Employment and Fertility Rate), *Journal of Women and Society*, Vol. 10, No. 1. (in persian)
- Mohammadpour, Ahmad Sadeghi, Rasoul Rezai, Mehdi (2009), “Tradition, Renovation, and Family Study of Family Continuity and

Change in Tribal Communities Using a Mixed Research Approach”, *Quarterly Journal of Development and Politics*, Volume 7, Number 4. (in persian)

- Safouri, Batool-Mohammadi, Naima 2 (2017), Sociological Study of Factors Affecting Women’s Fertility Preference, *Cultural-Educational and Family Quarterly*, Eleventh Year, No. 36. (in persian)
- Sanai, Naghi (2013), Conceptual Geometry of Leisure with Sociological, Psychological, Ethical Approach, *Quarterly of Ethical Knowledge*, Fourth Year, No. 1. (in persian)
- Temna, Hussein (2005), *Basics of Demography*. First edition, Payam Noor University Press. (in persian)